

آخرین لحظات عمر «ام‌المؤمنین» چگونه گذشت

جبرئیل گفت: ای محمد! همانا کفن خدیجه، از سوی ماست؛ زیرا او مالش را در راه ما صرف کرد. پس، جبرئیل کفنی آورد و گفت: ای رسول خدا! این، کفن خدیجه است و این کفن، از کفن‌های بهشتی است که خداوند آن را به خدیجه هدیه داده است.



جبرئیل گفت: ای محمد! همانا کفن خدیجه، از سوی ماست؛ زیرا او مالش را در راه ما صرف کرد. پس، جبرئیل کفنی آورد و گفت: ای رسول خدا! این، کفن خدیجه است و این کفن، از کفن‌های بهشتی است که خداوند آن را به خدیجه هدیه داده است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، حضرت خدیجه، دختر خویلد بن اسد از زنان با فضیلت اسلام است. نام مادر او، فاطمه دختر زائد از تیره و قبیله عامر بن لوی است، رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره نقش و جایگاه این بانوی بزرگ اسلام اینچنین فرمود: خدیجه کبری(س) در آغاز اسلام ایمان آورد، بزرگترین حرکت را به عنوان یک بانوی کامله و عاقله و بزرگوار انجام داد، اول مؤمن به اسلام او بود، بعد هم همه ثروت خود را در راه دعوت اسلام و ترویج اسلام خرج کرد و تأثیر این کار را کسانی می‌دانند که در مبارزات و دوران اختناق نقش کمک‌های مالی را به مبارزین تجربه کردند که اگر کمک‌های خدیجه علیهاالسلام نبود، شاید در حرکت اسلام و پیشرفت اسلام یک اختلال و وقفه عمده‌ای به وجود می‌آمد، بعد هم با رسول خدا و همه مسلمین به شعب ابیطالب تبعید شدند و چند سال، دو-سه سال زندگی دشوار و طاقت‌فرسا را در آنجا تحمل کرد و در همان شعب ابیطالب هم دعوت حق را لبیک گفت و در حال تبعید از دنیا رفت.

به مناسبت سالروز رحلت مادر گرامی حضرت فاطمه زهرا(س) و همسر نبی اکرم(ص) به بازخوانی جایگاه و نقش حضرت خدیجه(س) می‌پردازیم:

***سلام ویژه برترین فرشته الهی به بزرگ بانوی اسلام**

-رسول خدا(ص) فرمود: وقتی که در شب معراج، جبرئیل مرا به سوی آسمان‌ها برد و سیر داد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: آیا حاجتی داری؟ جبرئیل گفت: حاجت من، این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه برسانی. پیامبر خدا وقتی به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه(س) ابلاغ کرد، خدیجه گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَفِيهِ السَّلَامُ، إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَى جِبْرِئِيلِ السَّلَامُ»؛ همانا ذات پاک خدا سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی او بازگردد و بر جبرئیل سلام باد.

-در سال ششم بعثت، پس از آنکه آیه «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» نازل شد، پیامبر(ص) بالای کوه صفا رفت و مردم را به توحید دعوت کرد. مشرکان این بار نیز پیامبر را سنگباران کردند، سنگی بر پیشانی حضرت خورد و خون جاری شد. پیامبر(ص) به کنار تخته سنگی پناه برد، حضرت علی(ع) به سرعت به خانه خدیجه(س) رفت و ایشان را از این اتفاق آگاه کرد، حضرت خدیجه سراسیمه به سوی کوه صفا آمد و در راه می‌فرمود: «مَنْ أَحْسَنَ لِي التَّبَيِّ الْمَصْطَقِي؟ مَنْ أَحْسَنَ لِي الزَّبِيعِ الْمُرْتَقِي؟ مَنْ أَحْسَنَ لِي الْمَطْرُودِ فِي اللَّهِ؟ مَنْ أَحْسَنَ لِي أَبَا الْقَاسِمِ...»؛ چه کسی مرا از حال پیامبر برگزیده آگاه می‌کند و... از سلامتی‌اش برایم خبر می‌آورد؟

هنوز حضرت خدیجه(س) در راه بود که جبرئیل نازل شد و خدیجه را که در دامنه کوه صفا بود، نشان داد و گفت: آن بانوی توست که از گریه‌اش فرشتگان به گریه آمده‌اند، او را به سوی خود بخوان و سلام مرا به او برسان و به او مژده بده که خدا به او سلام رسانده و در بهشت، کاخی باشکوه و بلورین و آراسته به زیور که ماندگار است و در آن هیچ رنجی راه ندارد، برایش آماده ساخته است.

-پیامبر(ص) در وصف خدیجه و بزرگی و سروری او بر زنان دنیا می‌فرماید: «حَيْرُ نِسَائِهَا خَدِيجَةُ وَحَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ»؛ بهترین زنان جهان، خدیجه و مریم دختر عمران هستند، همچنین پیغمبر(ص) برای تبیین مقام و جایگاه خدیجه می‌فرماید: «اشْتَاَقَتِ الْجَنَّةُ إِلَى أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ: مَرْيَمَ بِنْتُ عِمْرَانَ وَأَسِيَّةَ بِنْتُ مَزَاحِمٍ زَوْجَةَ فِرْعَوْنَ وَهِيَ زَوْجَةُ التَّبَيِّ-ص- فِي الْجَنَّةِ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ زَوْجَةَ التَّبَيِّ-ص- فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ-ص-؛ بهشت، به دیدار چهار بانو اشتیاق دارد: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم که در بهشت به همسری پیامبر مفتخر خواهد شد، و خدیجه دختر خویلد ... که در دنیا و آخرت همسر و همنشین پیامبر است و فاطمه دختر پیامبر.

-در حدیثی نیز رسول خدا(ص) به امیرمؤمنان(ع) فرمود: تو افتخار همسری بانویی همانند فاطمه را داری، در حالی که من همسری همانند او ندارم و تو مادرزنی بسان خدیجه داری که من چنین مادرزنی ندارم.

*لحظات پایانی عمر «ام‌المؤمنین» چگونه گذشت/آخرین خواسته حضرت خدیجه(س)

حضرت خدیجه(س) که بر اثر صدمات و آزارهای جسمی و روحی فراوان در شعب ابیطالب بیمار شده بود در روز دهم ماه رمضان سال دهم بعثت چشم از جهان فرو بست و پیکر مطهرش در قبرستان شهر مکه «حُجُون» آرام گرفت، ایشان در خانه پیامبر خدمات فراوانی انجام داد و از این رو، طبیعی بود که بتواند پیش از مرگ خود، خواسته‌ای از پیامبر داشته باشد؛ اما او هیچ‌گاه خواسته‌ای شخصی، آن هم به صورت مستقیم، از پیامبر نداشت، فقط در روز رحلت، خواسته کوچکی به وسیله دخترش فاطمه(س) کرد.

ابتدا به پیامبر(ص) فرمود: ای رسول خدا! اگر کوتاهی کرده‌ام، مرا عفو کن! پیامبر(ص) فرمود: هرگز از تو تقصیری مشاهده نکرده‌ام.

خدیجه(س) گفت: حاجتی دیگر دارم، می‌خواهم خواسته‌ام را دخترم فاطمه به شما بگویم؛ زیرا شرم دارم آن را بازگو کنم، پیامبر از جای برخاست و از اتاق بیرون رفت.

حضرت خدیجه(س) وقتی با دخترش تنها ماند، به فاطمه گفت: ای محبوب و نور دیده مادر! به پدرت بگو که مادرم می‌گوید: من، از خانه قبر بیمناکم، از شما تقاضا دارم که یکی از جامه‌های خویش که هنگام نزول وحی به تن داشته‌اید، به من هدیه کنید تا با آن کفن شوم، حضرت فاطمه(س) درخواست مادر را به پیامبر(ص) گفت، پیامبر لباس خود را به فاطمه داد تا به مادرش بدهد.

در این هنگام، جبرئیل نازل شد و گفت: «یا محمد! إِنَّ كَفْنَ خَدِيجَةَ مِنْ عِنْدِنَا فَإِنَّهَا بَذَلَتْ مَا لَهَا فِي سَبِيلِنَا فَجَاءَ جِبْرِئِيلُ بِكَفْنٍ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا كَفْنُ خَدِيجَةَ وَهُوَ مِنْ أَكْفَانِ الْجَنَّةِ أَهْدَى اللَّهُ إِلَيْهَا...»؛ ای محمد! همانا کفن خدیجه، از سوی ماست؛ زیرا او مالش را در راه ما صرف کرد. پس، جبرئیل کفنی آورد و گفت: ای رسول خدا! این، کفن خدیجه است و این کفن، از کفن‌های بهشتی است که خداوند آن را به خدیجه هدیه داده است.